



اسلام و رهبری؛

## دو محور پیداری اسلام

حسن ابراهیم زاده

اشاره:

این نوشتار با استناد به واقعیت‌های موجود در جهان اسلام و نگاه دکتر کلیم صدیقی، اندیشمند فقید انگلیسی، به انقلاب اسلامی و شخصیت امام و علمای شیعی؛ محورهای اصلی که موجب بیداری اسلامی است را در عنصر شکل‌گیری نظام اسلامی و جایگاه رهبری برمی‌خواند که این دو واقعیت انکارناپذیر همسو با رسانه‌های نظام سلطه در خارج، مورد هجوم غربگرایان و نیز جریان انحرافی در داخل قرار گرفته است.

موج اسلام‌خواهی که امروز چون نسیمی روح‌نواز جان جهان عرب را نوازش می‌دهد و رایحه خوش آن میادین شهرهای اروپا و آمریکا را نیز درنوردیده است، چیزی جز بیداری اسلامی نیست که امام راحل (ره) و رهبر معظم انقلاب نوید آن را داده بودند.

به کارگیری واژه‌هایی چون بهار عربی از سوی جریان‌های روشنفکری و غربگرای جهان عرب و رسانه‌های نظام سلطه و ایادی آنان در جهان اسلام و نیز تعبیر کردن از آن به بیداری انسانی از سوی شکست‌خورده‌گان سیاسی و وابستگان جریان‌های انحرافی در ایران، هرگز نتوانست ماهیت واقعی این حرکت اسلامی را در منظر جهانیان وارونه جلوه سازد. حتی سانسور شدید نظام سلطه با دوربین‌های جزءنگرشان هم قادر به حذف نمادها و شعارهای اسلامی این بیداری اسلامی نشد. امروز مردمان سرزمین بعثت پیامبران الهی و مهد تمدن‌های بشری، واژه‌هایی را بر زبان می‌آورند، شعارهایی را سر می‌دهند، به نمادهایی تمسک می‌جویند و مطالباتی را خواستارند که درست مردم ایران زمین در ۳۰ سال گذشته، همان شعارها و همان مطالبات را بر زبان می‌آورند و به همان نمادها تکیه می‌کنند. این‌که چه عوامل درونی و بیرونی موجب شد که پس از ۳۳ سال از انقلاب اسلامی ایران، بار دیگر انقلاب امام و ایران اسلامی به کانون توجه رسانه‌ها و سیاستمداران تبدیل شود و همه جهان کفر و شرک را بر آن دارد تا با یک حرکت هماهنگ و همسو و اعمال فشارهای گوناگون بر ایران، بر آن شوند آن را از نقش‌آفرینی در منطقه و رخدادهای کنونی جهانی اسلام باز دارند، چیزی جز وحشی نیست که آن‌ها سال‌ها در انتظار آن بودند؛ مسئله‌ای که باز جریان‌های غربگرا

و انحرافی در داخل با همکاری رسانه‌های نظام سلطه در داخل برآند تا با فرعی و اصلی کردن عوامل درونی و بیرونی، عامل اصلی خیزش‌ها را به عامل فرعی تبدیل کنند و عاملی به نام «اسلام و رهبری» را به زعم خود به حاشیه برند!

بی‌شک بازگشت به اسلام و رهبری و وجود الگویی به نام ایران اسلامی و ولایت فقیه را می‌توان دو عامل محوری و کلیدی‌ترین عامل خیزش کشورهای عربی به شمار آورد و به جرئت می‌توان گفت، عوامل دیگری را می‌توان در طول این دو عامل فهرست کرد. در این مسئله تردیدی نیست که مردم منطقه همانند مردم ایران اسلامی در سال ۱۳۵۷، به دنبال رفع عقب‌ماندگی‌ها و پایان دادن به حاکمیت استبداد و تحقیر سرخوردگی در جهان و جلوگیری از به یغما رفتن منابع ملی خود توسط بیگانگان را در سایه‌سار بازگشت به اسلام جست‌وجو می‌کنند و در این میان با مقایسه کردن وضعیت کنونی خود با الگویی چون ایران اسلامی که پس از گذشت ۳۳ سال تحریم‌های اقتصادی و تحمیل جنگی هشت ساله و ترورها و ... توانسته است بر قله عزت و استقلال بایستد و پرچم علم و فناوری را در منطقه به اهتزاز درآورد، قابل تأمل و تأنی است.



از این رو است که در تحلیل اندیشمندان بزرگ جهان اسلام چون دکتر کلیم صدیقی، هیچ واقعه‌ای در تاریخ

به اندازه انقلاب اسلامی، امت اسلام و روح مسلمین را تسخیر نکرده و رویارویی کفر و اسلام چون رویارویی انقلاب اسلامی با جهان کفر نبوده است. وی در خصوص



**مردم منطقه همانند مردم ایران اسلامی در سال ۱۳۵۷، به دنبال رفع عقب‌ماندگی‌ها و پایان دادن به حاکمیت استبداد و تحقیر سرخوردگی در جهان و جلوگیری از به یغما رفتن منابع ملی خود توسط بیگانگان را در سایه‌سار بازگشت به اسلام جست‌وجو می‌کنند.**



تاریخ تاکنون توانسته است آن را به وجود آورد و به نظر ما تاکنون این چنین رویارویی بزرگ و نیرومند، میان اسلام و کفر وجود نداشته است و شاید هم از این به بعد به وجود نیاید.<sup>۱</sup> ماندگاری انقلاب اسلامی در برابر سخت‌ترین توطئه‌ها و تبدیل شدن آن به الگویی برای همهٔ مسلمانان ثابت کرد که چرا امام راحل (ره) حفظ نظام اسلامی را از اوجب واجبات برمی‌شمردند و چرا همواره بر این نکته تأکید می‌کردند در صورتی که اسلام در ایران سیلی بخورد، دیگر از جای خود بلند نخواهد شد. اثبات این واقعیت برای جهان اسلام که می‌توان با تکیه بر امدادهای الهی و پیروی از قوانین اسلام به مدلی از حکومت رسید که در طی سه

نقش انقلاب اسلامی در دمیدن روح بیداری در جهان اسلامی می‌نویسد: «هیچ واقعه‌ای در تاریخ تاکنون به اندازه انقلاب اسلامی در ایران، اذهان امت اسلامی را به خود مشغول نداشته و روح آن‌ها را تسخیر نکرده است. همان‌طور که هیچ حادثه و مبارزه‌ای در طول تاریخ اسلام و استکبار جهانی، کفر را به اندازه انقلاب اسلامی در ایران به وحشت و هراس نیفکنده است. بنابراین، برای نخستین بار در طول تاریخ، نیروی جهانی اسلامی علیه قدرت و استکبار جهانی کفر به مبارزه و جنگ برخاسته است. در حقیقت، این نیرومندترین مقابلهٔ دو نیروی مخالف و متضاد است که تاریخ تاکنون آن را شناخته و یا

**به توفیق پروردگار یک حرکت جدیدی در این منطقه آغاز شده است. این حرکت، حرکت ملت‌هاست؛ حرکت امت اسلامی است؛ حرکت با شعار اسلام است؛ حرکت به سمت اهداف اسلامی است؛ نشان‌دهنده بیداری عمومی ملت‌هاست و طبق وعده الهی، این حرکت قطعا و یقینا به پیروزی خواهد رسید.**

دهه بیش از ۳۰ انتخابات در آن برگزار کرد و در عین مردم‌سالاری، در آن احکام اسلامی را اجرا کرد؛ از چشم مسلمانان به ویژه اندیشمندان و جوانان خواهان افتخار سرزمین‌های خود پنهان نمود. قشر فرهیخته و جوان کشورهای عربی به خوبی می‌دیدند که چگونه حکومت‌های آنان در سیطره دیکتاتورهایی که بعضاً حتی در کشور آنان - چون عربستان - یک انتخابات هم برگزار نشده است و برخی - چون تونس - نه تنها دیکتاتوری حکم فرماست، بلکه حتی از پوشش حجاب زنان نیز جلوگیری می‌شود، روند قهقرایی طی می‌کند. این واقعیت که نظام اسلامی ایران در عین قرار داشتن در تنگناهای شدید اقتصادی نظامی و سیاسی از سوی استکبار و بمباران رسانه‌ای، نه تنها به جایگاه بلندی از علم و فناوری می‌رسد؛ بلکه چنان مقتدرانه در عرصه‌های سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی حاضر می‌شود که به یک محور فعال و پیشبرنده و یا بازدارنده و معادله‌ای انکارناپذیر در جغرافیای سیاسی جهان تبدیل شده است، برای آنانی که در ضمن محروم ماندن از همه پیشرفت‌های علمی و مادی هرگونه تحقیری را از سوی بیگانگان پذیرا هستند، گران تمام شد و آنان را به بازنگری در وضعیت موجود خود فرا خواند. آنان به این نکته دست یازیدند که آنچه موجب این همه افتخار، ایستادگی و عزت نفس در جمهوری اسلامی شده، کلمه‌ای جز اسلام و اعتقاد به یاری خداوند نبوده و نیست و گویی خداوند جلوه نصرت خود را شامل قوم و نسلی کرده است که خالصانه خدا را فریاد می‌زنند و همه چیز را در پیروی از قرآن و احکام نورانی اسلام می‌دانند.

در کنار این عنصر و الگوی عینی، مقایسه عنصر و الگوی عینی دیگر نیز که باز برخاسته از اسلام است، جهان عرب را به تأمل واداشت و آن چیزی نبود جز سیره و سلوک فردی و اجتماعی، سیاسی و نظامی و ... دو رهبر ایران در طی ۳۳ سال زهد و پارسایی، ساده‌زیستی، جامعیت در علوم، شجاعت، هوشمندی و ... ملبس به

لباس دین و مردمی بودن به گونه‌ای که وقتی در میان مردم حاضر می‌شوند، دوران حضرت رسول (ص) و امیرالمؤمنین (ع) را در اذهان تداعی می‌کند؛ چنان شوقی نسبت به رهبران ایران و انزجار از زمامداران خود به وجود آورد که آنان را به راهی کشاند که ۳۳ سال پیش مردم ما رفتند.

امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (دامت برکاته) در حقیقت تجلی حرکت عالمانی در طول تاریخ تشیع بودند که همه چیز خود را برای دفاع از اسلام و مسلمین فدا کرده بودند، عالمانی که جز از زلال قرآن و عترت هرگز ننوشتند و چنان در برابر شرک و کفر ایستادگی کردند که جهانیان را به تعجب و تحیر واداشتند.

دکتر کلیم صدیقی حرکت علمای اسلام در ایران تحت فرمان رهبری واحد را حرکتی بی‌بدیل در طول تاریخ اسلام و عنصری محوری در نهضت و بیداری اسلامی برمی‌شمارد و می‌نویسد: مهم‌ترین نکته‌ای که باید یادآور شد، این است که علمای ایران به هیچ وجه تحت تأثیر کفرآلودگی و فساد تمدن غرب قرار نگرفتند. وقتی که آن‌ها رهبری مردم ایران را در دست گرفتند، هیچ دلیلی برای شکست و سوء ظن نسبت به انگیزه‌های خود نداشتند. افرادی



که هیچ تجربه یا سابقه‌ای از رهبری سیاسی و یا حکومت نداشتند، در عمل ثابت کردند که به طرز قابل ملاحظه‌ای همه فن حریف، صلاحیتدار، زبردست و ماهر بوده‌اند. در حقیقت برای اولین بار در تاریخ، علمای اسلام یک نهضت اسلامی را علیه یک سلطه‌نیرمند کفر بر یک جامعه سنتی اسلامی رهبری کرده‌اند، همچنین برای اولین بار در تاریخ، یک نهضت اسلامی، رهبری علما و وفاداری

**منافق واقعی آمریکاست. نفاق واقعی، عملی است که اینها دارند انجام می‌دهند؛ ادعای دفاع از ملت‌ها. در مورد مصر نفاق به خرج می‌دهند، می‌گویند ما طرفدار ملتیم؛ دروغ می‌گویند. اینها با دشمن ملت تا لحظه آخر همکاری کردند.**

کرده است؛ برای کشورهایی با پیشینه‌ای بس گرانسنگ تاریخی و علمی؛ بسیار سخت بود تا شاهد زمامدارانی باشند که جز خیانت و عیش و عشرت چیزی در کارنامه آنان دیده نمی‌شود. در کشور لیبی، سرهنگ قذافی بیش از چهل سال حکمرانی می‌کرد؛ پادشاهی مستبد با حرکت‌های جنون‌آمیز و رفتارهایی که بیانگر عدم تعادل روحی وی بود و درآمدهای نفتی را به سود خود و خانواده‌اش بلوکه کرده بود تا جایی که دارایی دومین همسرش صفیه فرکاش البرعصی به ۱۸ تن طلا و ۳۰ میلیارد دلار می‌رسید. در تونس زین العابدین بن علی بعد از چند دهه دیکتاتوری و سلب هرگونه آزادی‌های معنوی و ممانعت از حجاب و ورود به مساجد، دارایی‌های همسر دوم وی - لیلی الطرابلسی - نیز که مهم‌ترین بخش‌های مخابرات و گردشگری را در اختیار داشت، به هنگام فرار در چمدان‌های وی یک و نیم تن شمش طلا به ارزش ۴۵ میلیون یورو دیده می‌شد.

در مصر حسنی مبارک پس از سپری کردن سه دهه دیکتاتوری در سن ۸۲ سالگی به دنبال قدرت رساندن فرزندش جمال مبارک برآمده بود. سوزان مبارک همسر حسنی مبارک با همکاری هایدی راسخ و خدیجه جمال همسران علاء و جمال که تابعیت انگلستان داشتند، مافیایی را طراحی کرده و بر بخش‌های مهمی در مصر احاطه داشتند.

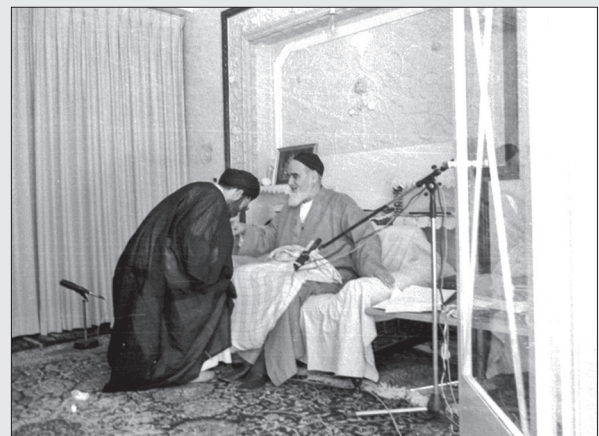
خانواده‌ای که با فروش گاز به رژیم اشغالگر قدس با نرخ کم - که روزانه ۹ میلیون پوند کمتر از ارزش واقعی آن برآورد شده بود - سهم پنج درصدی آن را به حساب خود واریز می‌کردند؛ آن هم در حالی بیش از ۳ میلیون نفر از مردم این کشور تنها در قبرستان‌ها زندگی می‌کردند.

در عربستان شاه و شاهزادگان سعودی در طول حاکمیت مادام‌العمر خود بر سفره نفت، تنها به نفع کمپانی‌های بزرگ نفتی دنیا و قمارخانه‌ها و رقاصه‌های مشهور دنیا گام برداشتند که دلارهای نفتی

تام و شرکت همگانی توده‌های مسلمان را تضمین کرده است. من برهه دیگری را در تاریخ نمی‌توانم به یاد آوردم که توده‌های مسلمان در یک کشور به بزرگی ایران، چنین کامل تحت رهبری علما بسیج شده باشند. به عقیده من، رهبری علما را می‌بایست به عنوان مهم‌ترین عامل و انرژی وارد شده به شرایطی که بیست سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بر ایران حکمفرما بود، به حساب آورد.<sup>۲</sup>

او شخص رهبری را در کنار نظام اسلامی و مردم ایران در تاریخ اسلام هم بی‌بدیل می‌خواند و می‌نویسد: انقلاب اسلامی، رهبری آن و توده‌های مسلمان ایران از تاریخ صدر اسلام، تاکنون سبیل جامع‌ترین و موفق‌ترین نمونه یک دعوت جمعی و متشکل می‌باشند.<sup>۳</sup>

وی در جایی از امام به عنوان گنجی یاد می‌کند و می‌گوید: «این جامعه، محتاج استمرار رهبری است، گنج این جامعه که همانا امام امت است، هنوز با ماست.»<sup>۴</sup> وجود چنین گنجی به نام امام خمینی (ره) در ده سال انقلاب و گنجی دیگر به نام امام خامنه‌ای در ۲۲ سال بعد از وی، جهان



اسلام را به خود آورد و به مقایسه‌ای بین این دو با رهبران جهان عرب کشاند که هر یک از آنان نه تنها در فساد و فحشاء غوطه می‌خوردند، بلکه به مایه ننگ جامعه اسلامی تبدیل شده بودند. جهان اسلام و عرب به خوبی به این واقعیت رسید که حاکمیت دیکتاتورها بر منطقه خاورمیانه و وجود زمامدارانی مادام‌العمر، فرصت هرگونه تحول و تحرکی را از مسلمانان این کشورها سلب

دکتر کلیم صدیقی چهار سال بعد در سمینار «آینده حرمین» در مؤسسه اسلامی لندن به سال ۱۹۸۸، در سخنرانی خود باصراحت اعلام کرد که هیچ حکومتی اسلامی بدون الگوگیری از ایران نمی تواند تأسیس شود. حکومت اسلامی تنها در صورتی می تواند تأسیس شود که حکومت ملی و نهادهای آن به طور کامل نابود و منحل شود و رهبری طبقه ممتاز بعد از استعمار، جای خود را به رهبران متقی که از ریشه اسلام اصیل نشأت گرفته اند بدهد و این خصیصه است که تنها در مورد انقلاب اسلامی ایران صادق است و به همین دلیل است که در شرایط امروز هیچ حکومت اسلامی بدون انقلاب اسلامی نمی تواند تأسیس شود.<sup>۱</sup>

کوتاه سخن، آنچه که موجب ظهور چنین موجی عظیم در جهان اسلام شده است، چیزی جز اسلام و شکل گیری نظام اسلامی و ولایت فقیه نیست و هر کس در تضعیف این دو عنصر که موجودیت هر یک به موجودیت دیگری وابسته است گام بردارد، خائن به تاریخ گذشته اسلام و آینده اسلام است.<sup>۲</sup>

#### پی نوشت ها:

۱. نهضت های اسلامی و انقلاب اسلامی، کلیم صدیقی، ص ۳۸.
۲. همان، ص ۴۴.
۳. همان، ص ۵۸.
۴. همان، ص ۸۹ و ۹۰.
۵. همان، ص ۶۶.
۶. همان، ص ۱۰۶.

#### منبع:

نهضت های اسلامی و انقلاب اسلامی، دکتر حکیم صدیقی، ترجمه سیدهادی خسروشاهی، تهران، اطلاعات، چاپ نهم، ۱۳۷۹.

در آن آب می شدند. شناسنامه سران دیگر غرب، شناسنامه ای بهتر از این همتایان خود نبود. مشاهده چنین سران فاسد، بی کفایت و خائن، آن هم زیر سایه پرچم آمریکا و مقایسه آنان با دو رهبر زاهد و عارف و فیلسوف و نویسنده و قاری و زیرسایه پرچم اسلام که دارایی های آنان از زندگی متوسط ترین فرد جامعه هم پایین تر است، مردم و نخبگان و جوانان جهان اسلام را به خود آورد که چرا نباید جامعه اسلامی به سمتی نرود که در بین نخبگان به دنبال چنین شخصیت هایی باشند و نظامی مانند نظام اسلامی ایران بر پا کند که سکوهای ترقی و تعالی را فتح نمایند و حتی گامی فراتر بگذارند و رهبر آن را رهبر خود به شمار آورد. چیزی که ۲۸ سال قبل دکتر کلیم صدیقی در مقاله ای - در لندن ۱۱-۸ اوت ۱۹۸۴ - در گزارش کمیته های سمینار جهانی انقلاب اسلامی ایران: دستاوردها، مشکلات و دورنماها به آن اشاره کرد و آن رهبر خواندن رهبر ایران به عنوان رهبر همه نهضت ها و بیگانه نامیدن هر نهضت جدا از انقلاب اسلامی به بیگانه بودن از اسلام!

دکتر کلیم صدیقی در سال ۱۹۸۴ در لندن در سخنرانی خود گفت: «نهضت اسلامی الزاماً باید دارای یک رهبر باشد. قبل از انقلاب اسلامی ایران، سازمان های متعددی بودند که در بیان اهداف و آمال خویش مدعی بودند که بخشی از نهضت اسلامی را تشکیل می دهند. ظهور انقلاب اسلامی در ایران، به نهضت اسلامی رهبری جهت بخشیده است. انقلاب اسلامی ماهیت واقعی این سازمان های به اصطلاح اسلامی را بر ملا ساخته است. سایر سازمان ها و افرادی که تاکنون به عنوان بخشی از نهضت اسلامی محسوب می شدند، اکنون باید رهبری و مسیر تعیین شده توسط نهضت اسلامی را در ایران بپذیرند و یا این که خود را نسبت به نهضت اسلامی بیگانه بدانند.»<sup>۳</sup>

